



### گزیده بیانات رهبر درباره استکبار جهانی در جمع دانشجویان

شناختن دشمن از همه مهم تر است. دشمن سعی می کند خود را دوست جلوه بدهد و شعارهای ملت ها را عوض کند؛ ملت و دولتی تسلیم می شود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن شناسی بود که من این توصیه را به جوانان دارم آن وقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه ای خواهد بود و آنچه که دشمن می خواهد، به فضل پروردگار آن را در میان ملت ایران بدست نمی آورد.

برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکن تر و سهل تر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را طبق نیازهای خودشان شکل بدهند.



هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می خواهند با قدرت متمرکز همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشریت را استعمار کنند؛ لذا با آن فکر مبارزه می کنند. در مقابلش، سعی می کنند با راه ها و شیوه های مختلف، افکار و باورها و جهتگیری هایی را میان آن ملت ترویج کنند که به گونه ای بیندیشد که آن ها می خواهند؛ وقتی آن طور اندیشید، آن گونه هم عمل و حرکت خواهد کرد؛ این یک ابزار خیلی رایج است؛ تئوری سازی استثماری. من می خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجه بدهم که مواظب تئوری های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکم آمیز غرب با کشور هایی از قبیل کشور ما را ندارد، باشند.

تسلیم در مقابل دشمن، به هیچ وجه کار ساز نیست. نشانه های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند می کند؛ به او روحیه می دهد و به او کمک می کند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد؛ بنابراین به هیچ وجه نباید تسلیم شد. تسلیم شدن به معنای تسلیم کردن کشور و ملت است؛ به معنای مسلط کردن دشمن بر سرنوشت یک ملت است؛ مگر کسی حق این کار را دارد؟

آنچه آنها در مورد کشور عزیز ما و شما ملت شجاع و مومن ایران به خصوص شما آرزو دارند، مجموعه چند چیز است که در کنار هم آن را دنبال می کنند.



یکی این است که با ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی و خدای نکرده با خریدن بعضی ها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند.

کار دومی که آن ها می خواهند تحقق پیدا کند، این است که دلبستگی ها و انگیزه های اساسی ای که می تواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آنها نگه بدارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمان ها را عوض کنند، امیدها را کور کنند و آینده وافق را تیره و تاریک و مبهم جلوه بدهند ابزار کار آن ها هم رسانه است.

یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال می کنند، این است که وحدت را از بین ببرند؛ چه وحدت ملی و چه وحدت بین مسوولان را. آحاد و گروه های مردم را با نام های مختلف از هم جدا کنند و میان آن ها دیوار بکشند.

یکی دیگر از کارها اینست که ملت را مرعوب نشان بدهند؛ در حالی که ملت و جوانان ما مرعوب نیستند. امتیاز ملت ما این است که بیشترین نسبت جوان را در بین ملت های دنیا دارد. جوان سرشار از امید و نشاط است و مایل است کاری را به او محول کنند و آن را با شجاعت و خطر پذیری انجام بدهد. اینها سعی می کنند ملت را مرعوب کنند اگر نتوانستند مرعوب کنند با جوسازی و نظر سازی مجعول، وانمود کنند که ملت مرعوب شده است.



امروز خود امریکایی ها یعنی همان دستگاه تبلیغاتی که گفتم در صف مقدم، و بعضی قلم به مزدهای واقعا حقیر و پست، و شاید هم یک عده گول خورده و غافل در داخل کشور ما خیال می کنند که اگر امریکا ارتباطش با کشوری مثلا جمهوری اسلامی عادی شد و رابطه برقرار کردند، ناگهان همه مشکلات اقتصادی ملت ایران حل خواهد شد! اگر کسی این طور فکر کند، خطای عظیمی مرتکب شده است.

وجود افراد هُر هُری مسلک در برابر امریکا در هر دستگاهی که باشد موجب خطر است. وجود این آدم های تجدید نظر طلب در برخی از دستگاه های گوناگون، اسباب زحمت و خطر است. اگر در دانشگاه باشند ضرر می رسانند. اگر در دولت باشند ضرر می رسانند اگر در مجلس باشند ضرر می رسانند. هر جا هر نقطه ای باشند، ضرر می رسانند. یکی از آسیب های ما این است.

